

دايرة المعارف مصور  
فيلم

THE FILMBOOK



## حکایت سینما

۱۰	۱۸۹۵-۱۹۱۹ تولد سینما
۱۲	۱۹۲۰-۱۹۲۹ سینمای صامت
۱۶	۱۹۳۰-۱۹۳۹ بلوغ سینما
۲۲	۱۹۴۰-۱۹۴۹ سینما و جنگ
۲۶	۱۹۵۰-۱۹۵۹ نبرد تمام‌عیار سینما
۳۲	۱۹۶۰-۱۹۶۹ موج نو
۳۸	۱۹۷۰-۱۹۷۹ روزهای استقلال
۴۴	۱۹۸۰-۱۹۸۹ سینمای جهان
۴۸	دهه‌ی ۱۹۹۰ تا به امروز: از سلولویید تا دیجیتال
۵۴	

## فیلم‌ها چگونه ساخته می‌شوند؟

۶۰	پیش‌تولید
۶۴	تولید
۶۸	پس‌تولید
۷۳	

## ژانرهای سینما

۷۶	اکشن - ماجراجویانه
۸۰	انیمیشن
۸۲	آوانگارد (پیشرو)
۸۵	زندگی‌نامه‌ای
۸۶	کمدی
۸۷	درام تاریخی
۹۱	کالت
۹۲	فاجعه‌ای
۹۳	مستند
۹۴	حماسی
۹۶	فیلم‌نوار
۹۸	گنگستری
۱۰۰	ترسناک
۱۰۲	هنرهای رزمی
۱۰۴	ملودرام
۱۰۵	موزیکال
۱۰۶	تبلیغاتی
۱۱۰	علمی‌خیالی و فانتزی
۱۱۲	دنباله‌دارها
۱۱۵	مجموعه‌ها
۱۱۶	نوجوانان
۱۱۷	هیجان‌انگیز (تریلر)
۱۱۸	سینمای زیرزمینی
۱۱۹	جنگی
۱۲۰	وسترن
۱۲۲	

## سینمای جهان

۱۲۶	آفریقا
۱۳۲	خاورمیانه
۱۳۴	ایران
۱۳۵	اروپای شرقی
۱۳۶	بالکان
۱۴۰	روسیه
۱۴۲	اسکاندیناوی
۱۴۵	آلمان
۱۴۸	فرانسه
۱۵۱	ایتالیا
۱۵۴	بریتانیا
۱۵۶	اسپانیا
۱۵۸	پرتغال
۱۶۰	کانادا
۱۶۱	آمریکای مرکزی
۱۶۲	آمریکای جنوبی
۱۶۴	چین، هنگ‌کنگ و تایوان
۱۶۷	کره‌ی جنوبی
۱۷۰	ژاپن
۱۷۱	هند
۱۷۴	استرالیا و نیوزیلند
۱۷۶	

## کارگردانان برتر سینما

۱۷۸	مشخصات و فیلم‌شناسی ۱۰۰ کارگردان برتر سینمای دنیا
-----	---

## ۱۰۰ فیلم برتر تاریخ سینما

۲۵۴	راهنمای مصور تأثیرگذارترین فیلم‌های تاریخ سینما
۳۵۰	واژه‌نامه
۳۵۲	نمایه



در آمریکا سینما در دهه‌ی ۱۸۹۰ با دستگاه‌های کینه‌توسکوپ<sup>۱</sup> یک سنتی آغاز شد. کافی بود یک سنت درون حفره می‌انداختید و سپس از درون چشمی دستگاه تصاویر رگه‌دار و دانه‌دانه را تماشا می‌کردید. در آن موقع، این رسانه‌ی جدید به بزرگ‌ترین صنعت سرگرمی شناخته‌شده‌ی جهان بدل شد و به تدریج در سده‌ی بیستم در قالب یک فرم هنری جدید تکوین یافت.

مرز میان سینمای کشورهای انگلیسی‌زبان و دیگر کشورهای جهان نیز روزبه‌روز کم‌رنگ‌تر می‌شود و ستارگان و فیلم‌سازانی که از هم تأثیرپذیری و الگوگیری فرهنگی دارند گواه این امر هستند. یک کودک آمریکایی همان‌قدر به تماشای کارتون‌های والت دیزنی<sup>۵</sup> علاقه دارد که به دیدن «انیمه»<sup>۶</sup> های ژاپنی؛ جوانان غربی هم همان‌قدر بسا فیلم‌های هنرهای رزمی آسیایی یا قالب فیلم‌های هندی آشنایی یافته‌اند که تماشاگران شرقی با فیلم‌های آمریکایی.

سینما نه تنها برای تماشاگرانش در سراسر جهان تفریحی ناب فراهم آورده، بلکه «هنر هفتم» نیز نامیده شده است. در ۱۹۱۶، هوگو مونستربرگ<sup>۷</sup>، روان‌پزشک آلمانی، در ضمن بررسی ویژگی‌های یکتای سینما، از توانایی‌های آن برای فرموله کردن مجدد زمان و مکان سخن گفته است. در ۱۹۲۶، ریچارد کائودو<sup>۸</sup>، منتقد فرانسوی زاده‌ی ایتالیا، این بحث را مطرح کرد که سینما باید از واقع‌گرایی فراتر رود و احساسات فیلم‌ساز و همچنین ویژگی‌های روانی شخصیت‌ها و حتی ناخودآگاه آنان را مطرح سازد. این امکانات سینما را فیلم‌سازان و نظریه‌پردازان «امپرسیونیست» فرانسوی - از جمله لویی دلوک<sup>۹</sup> و ژان اپستین<sup>۱۰</sup> - نیز بیان کردند و هواداران نظریه‌ی تدوین که فیلم‌سازان اتحاد شوروی در دهه‌ی ۱۹۲۰ به اندیشه‌هاشان توجه داشتند، بر آن مهر تأیید زدند. این فیلم‌سازان تداوم پذیرفته‌شده‌ی بسط زمانی را زیر پا نهادند و کوشیدند راه‌های تازه‌ای برای نمایش سیلان فکری و ذهنی شخصیت‌ها بیابند و داستان‌گویی سراسر است و مستقیم را با تصاویر چندپاره و پراکنده و ارائه‌ی نظرگاه‌های مختلف جایگزین کنند.

به این ترتیب، سینما به تدریج وارد مرحله‌ای شد که از نظر جدیت و ژرف‌بینی برابری می‌کرد نه تنها با به اصطلاح «فیلم هنری» بلکه با فیلم‌های رایج روز که پیشگامانش عبارت بودند از گریفیت<sup>۱۱</sup>، فریتس لانگ<sup>۱۲</sup>، چارلی چاپلین<sup>۱۳</sup>، بازسی برکلی<sup>۱۴</sup>، والت دیزنی<sup>۱۵</sup>، ژان رنوار<sup>۱۶</sup>، اورسن ولز<sup>۱۷</sup>، جان فورد<sup>۱۸</sup> و آلفرد هیچکاک<sup>۱۹</sup>. پیشرفت‌های فنی نظیر ابداع فیلم‌های حساس، صدا، تکنی‌کالر<sup>۲۰</sup>، سینماسکوپ<sup>۲۱</sup> و تجهیزات سبک فیلم‌برداری نیز به کار آمدند تا راه‌های تازه‌ای برای بیان سینمایی بر پرده‌ی بزرگ بیابند. در اوایل دهه‌ی سده‌ی بیستم «تصویر آفرینی رایانه‌ای»<sup>۲۲</sup> (CGI) به این کنکاش‌ها استمرار بخشید

فیلم‌های سینمایی از همان نخستین روزها، واقعیت‌گریزی و قصه‌های پرشور عاشقانه را برای میلیون‌ها نفر در سراسر جهان به ارمغان آوردند. سینما قالیچه‌ی پرنده‌ای بود که تماشاگران را از واقعیت‌های دشوار زندگی دور می‌کرد. فیلم‌های سینمایی، در سال‌های رکود بزرگ اقتصادی آمریکا در اوایل دهه‌ی ۱۹۳۰، نوش‌داروی جامعه و در سال‌های جنگ دوم جهانی تسکین‌دهنده‌ی مردم بودند و در دهه‌های پس از آن کماکان جامعه را از واقعیت‌های روز دور نگاه می‌داشتند. هالیوود در ایالت کالیفرنیا که به «کارخانه‌ی رؤیاسازی» معروف شده، عرضه‌کننده‌ی چیزهایی بود که به واقع «رؤیاها از آن ساخته می‌شوند».

هالیوود از دهه‌ی ۱۹۲۰ بر صنعت سینمای جهان سلطه‌ای انکارناپذیر یافته، اما تنها «بازیگر» این بازار واقعی جهانی نیست. آنچه سبب می‌شود سینما را جهان‌گسترترین هنر بدانیم، دامنه‌ی گسترده‌ی فیلم‌هایی است که از بیش از پنجاه کشور جهان به بازارهای جهانی راه می‌یابند؛ فیلم‌هایی که به اندازه‌ی فرهنگ‌های پدیدآورنده‌شان، گوناگون و متنوع‌اند. هر سال که می‌گذرد، کشورهای بیش‌تری که پیش‌تر به فیلم‌سازی‌شان التفاتی نمی‌شد، محصولات تولید می‌کنند که در کانون توجه بینندگان سراسر جهان قرار می‌گیرد.

تردیدی نیست که در چند دهه‌ی گذشته، سینمای خلاق از حوزه‌ی آمریکا و اروپا فراتر رفته است و دامنه‌اش به آسیای مرکزی و شرقی کشیده شده و به کشورهای در حال توسعه رسیده است. یک نمونه‌ی خیره‌کننده‌اش ایران و سینمای شگفت‌انگیزش است. کشورهای آفریقایی شاهد ظهور فیلم‌سازانی با تخیلی منحصر به فرد بوده‌اند، از جمله عثمان سمبن<sup>۲</sup> و سلیمان سیسه<sup>۳</sup>. کشورهای چین، هنگ‌کنگ، تایوان و کره‌ی جنوبی نیز فیلم‌هایی بسا کیفیت بصری خارق‌العاده و مضامینی جذاب خلق کرده‌اند. از سوی دیگر، سینمای کشورهای اسپانیا و آمریکای لاتین نیز شاهد اوج‌گیری دوباره بوده است. دانمارک که از دوره‌ی کارل درایر<sup>۴</sup>، فیلم‌ساز بزرگ، فیلم‌سازی‌اش مطرح شد، در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ شاهد یک نوزایی بود.

❏ عکس تبلیغاتی آواز در باران (۱۹۵۲)، فیلمی موزیکال که با روزهای آغازین سینمای ناطق شوخی‌های دلپذیری می‌کند.

